

مدل مفهومی موضوع زن در گفتمان انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای)

عاطفه خادمی^{۱*}، فاطمه تقی‌زاده^۲

چکیده

پرداختن به موضوع زنان در بدنه دانشی اغلب ناظر بر شبکه‌ای از نظام مسائل آنان صورت می‌پذیرد و دانش تولیدشده عموماً بر مسائل این قشر به صورت موردی متمرکز است. بدین معنا که همواره در ارتباط با موضوع زنان با طیفی از یافته‌های متمرکز بر مسائل فردی، خانوادگی یا اجتماعی مواجهیم که به صورت منفک و ترکیبی مدل روشنی از چیستی زن در گفتمان انقلاب اسلامی ارائه نمی‌دهد. فقدان رویکرد منظومه‌ای و مدل روشن و واضح از زن در گفتمان انقلاب اسلامی از خلأهای مهم محسوب می‌شود. لذا این پژوهش، فارغ از نگاه موردی و گزینشی به مسائل زنان، با هدف ترسیم مدل مفهومی منظومه فکری رهبر انقلاب در موضوع زن به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش اساسی است که زن در منظومه فکری رهبر انقلاب در چه الگوی مفهومی تصویر می‌شود. برای پاسخ به این پرسش، با اتخاذ روش تحلیل محتوای کیفی در چارچوب رویکرد منظومه‌ای، دو مفهوم کلیدی الگوی سوم و انسان انقلابی به دست آمد که هر یک از این مفاهیم ابعاد تصویر را نمایان می‌کند و تصویر تولیدشده مبین نگاه فراجنسیتی اما با ملاحظات جنسیتی رهبر انقلاب به موضوع زن در کلان منظومه فکری ایشان است.

کلیدواژگان

انسان انقلابی، انقلاب اسلامی، الگوی سوم، زن، مدل مفهومی، منظومه فکری.

۱. دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (نویسنده مسئول)

at.khademi@gmail.com

f.taghizadeh@chmail.ir

۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵

مقدمه و طرح مسئله

مسئله زن در تاریخ ایران در برهه‌های مختلف ابعاد و زوایای گوناگونی داشته است که در دل تاریخ تحولات ایران می‌توان ردپای قرائت‌های گوناگون پیرامون آن را یافت. در تحلیلی کلان و کلی، آنچه مشهود است وجود دو رویکرد غالب در ارتباط با مسئله زن در لایه‌های هویتی و نقش‌آفرینی است: رویکرد متأثر از سنت و نگاه سنتی به زن و رویکرد متأثر از نگاه به‌اصطلاح مدرن و غربی به زن. دستاورد هریک از این رویکردها تعریف زن به‌عنوان ابژه^۱ (در رویکرد سنتی) و سوژه^۲ (در رویکرد مدرن) بوده است. اما نکته مهم و اساسی میزان ارتباط و نسبت میان این دو رویکرد با ویژگی‌ها و مختصات زیستی، اجتماعی و فرهنگی زن ایرانی مسلمان است. پرسش اساسی در این حوزه این است که آیا هویت زن به‌عنوان ابژه فقط ذیل خانواده تعریف می‌شود یا اینکه هویت زن به‌عنوان سوژه‌ای مستقل از خانواده و با رویکرد فردگرایی و متمرکز بر پیشرفت و حضور اجتماعی تبیین می‌شود؟ انقلاب اسلامی مدعی پاسخ مناسب به این پرسش بوده است، زیرا کلیشه‌های موجود را شکسته است. درحقیقت، انقلاب اسلامی با تکیه بر بنیان‌های فکری شیعی توانست تفکر و تعقل اجتماعی در لایه عموم مردم را فعال کند و بر این اساس فهمی جدید از مدیریت اجتماعی را عرضه کند که در آن مردم صاحب حکومت شناخته شوند و بنابر اصل اراده و اختیار، در ذیل جهان‌بینی الهی، تغییر و تحولات اجتماعی را رقم بزنند؛ رویکردی که مسئولیت افراد را در قالب جهانی و تاریخی تعریف می‌کند. انقلاب اسلامی مدعی است در موضوع زن بیشترین قرابت با مختصات زن ایرانی مسلمان را دارد و وقوع انقلاب به خلق هویتی نوین از این زن در دوران انقلاب و بعد از آن در دوران دفاع مقدس منجر شد. در شکل‌گیری و استمرار این جریان، امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان نظریه‌پردازان انقلاب و خلق‌کنندگان هویت نوین زن محسوب می‌شوند. در این مسیر، رهبر انقلاب، به‌عنوان هدایت‌کننده انقلاب طی سه دهه گذشته، جریان انقلاب را در مسیر مورد نظر حفظ کرده و در این میان حرکت تعریف‌شده انقلاب در منظومه فکری ایشان و در یک نظم منطقی و نظام‌مند و منسجم دنبال شده است. اما آنچه در سیر چهار دهه‌ای انقلاب در موضوع زنان مشهود است پرسش‌هایی اساسی است که ۱. انقلاب اسلامی چه مدل مفهومی از زن ایرانی مسلمان ارائه می‌دهد؟ ۲. این مدل چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۳. تمایز آن با رویکردهای سنتی و مدرن در چیست؟ این پرسش‌ها برآمده از نیازمندی جامعه زنان است که ضرورت پاسخ‌دهی را دوچندان می‌کند. پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده محقق‌کننده هدف نویسنده در ارائه مدل مفهومی زن به صورت منسجم در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای خواهد بود.

-
1. objects
 2. subject

ملاحظات نظری

در ارتباط با نقش و جایگاه زنان نظریه‌های بیشماری تولید شده است که هریک بر مبنای هستی‌شناسی خود قرائت خاصی از موضوع زن ارائه می‌دهند. آنچه در همه این نظریه‌ها به صورت مشخص و قطعی به آن پرداخته شده است توجه به موضوع جنسیت است. درحقیقت، نظریه‌ها و گفتمان‌ها با نوع قرائت و خوانشی که از جنسیت دارند موضوع زن را تبیین می‌کنند؛ در نتیجه، در این قسمت به تبیین نظریه‌های مرتبط با جنسیت می‌پردازیم.

نظریه‌های زیست‌شناختی

این اندیشه که توزیع نقش‌ها برحسب جنسیت کم‌وبیش از عوامل زیست‌شناختی تأثیر می‌پذیرد در کلیت خود موافقان بسیاری دارد. گویا مفروض است که این تفاوت نقش‌های جنسیتی به‌منزله واقعیتهای جهانی باید از علتی جهانی ناشی شده باشد و از این‌رو عوامل زیستی، به دلیل خصلت جهان‌شمولی، اهمیت زیادی در تبیین تفاوت نقش‌ها می‌یابند [۴۸]. صاحب‌نظران در تعیین اینکه این تفاوت‌ها دقیقاً به کدام‌یک از عوامل زیستی راجع‌اند، راه‌های مختلفی را پیموده‌اند. برخی منشأ استناد نقش‌ها و وظایف مختلف به مردان و زنان را تفاوت آنان در قدرت بدنی دانسته‌اند، اما این فرض به دلیل نقض‌های متعدد، تأییدی کسب نکرده است [۴۷]. گروهی نیز، با استناد به شواهد تجربی، تفاوت نقش‌ها را بر پایه تفاوت میزان هورمون‌های جنسی در مردان و زنان تبیین می‌کنند [۳۶].

این نظریه در میان فمینیست‌ها نیز موافقانی دارد؛ از جمله آلیس رسی از منظر جامعه‌شناسی زیستی، کارکردهای زیست‌شناختی متفاوت مردان و زنان را به الگوی‌های مختلف رشد هورمونی آنها طی چرخه حیات نسبت می‌دهد. به عقیده وی، همین تفاوت‌هاست که زمینه‌ساز الگوهای متفاوت بازی در کودکی می‌شود [۳۷].

نظریه‌های روان‌شناختی

در میان نظریه‌های روان‌شناختی، برخی از نظریه‌های روان‌کاوی جایگاهی مهمی در مباحث جنسیتی کسب کرده‌اند. برحسب نظریه چودورو، که تعدیلی بر نظریه فروید به شمار می‌آید، در اولین مرحله جامعه‌پذیری کودکان هر دو جنس با مادر همانندسازی شخصی می‌کنند، ولی در ادامه پسر ناگزیر می‌شود با همانندسازی با پدر نقش‌های مردانه را پذیرا شود. طی فرایند جامعه‌پذیری، مادران پسران خود را تشویق می‌کنند که از آنان جدا شوند و به آنها کمک می‌کنند هویتی مردانه را در خود بسط دهند که متکی به پدر یا جایگزین پدر است، اما دوری پدر از خانواده باعث می‌شود فرزند برای همانندسازی با او از عناصر انتزاع استفاده کند. این در

حالی است که حضور مادر در خانواده همانندسازی دختر با او را براساس یک الگوی واقعی رقم می‌زند [۴۴]. به عبارت دیگر، دختر به دلیل حضور مادر همانندسازی ساده‌تری را تجربه می‌کند؛ درحالی‌که پسر برای کسب هویت جنسی خود باید با انکار هویت زنانه، هویت مردانه را به‌دست آورد؛ درنتیجه، هویتی حساس و آسیب‌پذیر به دست می‌آورد.

نظریه‌های فمینیستی

فمینیسم لیبرال: فمینیست‌های لیبرال فقدان حقوق مدنی و فرصت‌های برابر آموزشی را دلیل ستم به زنان می‌دانند و سعی دارند با انجام‌دادن اصلاحاتی در این زمینه، بدون آنکه به بنیادهای اجتماعی و اساسی موجود در جامعه دست بزنند، موقعیت زنان را بهبود بخشند. جنسیت در نظر این گروه تعیین‌کننده حقوق فرد نیست و سرشت زنانه و مردانه کاملاً یکسان است؛ آنچه وجود دارد، انسان است نه جنس [۴۶]. بنابراین، جامعه‌ای مطلوب است که در آن تضاد شدیدی میان خصوصیات مردانه و خصوصیات زنانه وجود نداشته باشد. از نظر فمینیست‌های لیبرال، نقش جنسیتی محصول روابط اجتماعی در طول تاریخ است؛ نه هدیه و ودیعه طبیعی و غیر قابل تخلف. آن‌ها معتقدند در ابتدای حیات بشری مادرسالاری حاکم بوده است و پدرسالاری واقعیتی تلخ است که به تدریج بر جوامع بشری تحمیل شده است [۴۳].

فمینیسم مارکسیستی: طرفداران فمینیسم مارکسیستی با تأکید بر مادرسالاری بودن جوامع اولیه بشری معتقدند که پیدایش مالکیت خصوصی در جوامع سبب اسارت زنان شده است و تا زمانی که نظام بورژوازی وجود دارد، این اسارت وجود خواهد داشت. با توجه به تقسیم جامعه به دو عرصه عمومی (بازار) و خصوصی (خانواده) توسط نظام سرمایه داری، اولین شرط رهایی زنان خانه دار از بند اسارت مردان، بازگشت آنان به فعالیت‌های عمومی است. نوامارکسیست‌های مکتب فرانکفورت تا حدود زیادی از نظریات فمینیست‌های مارکسیست عدول نموده‌اند. آنان معتقدند که در چارچوب نهاد خانواده، به دلیل روابط عاطفی و شخصی و اعتماد بین افراد خانواده، از خودبیگانگی تاحدودی کاهش می‌یابد [۳۵].

فمینیسم رادیکال: طرفداران فمینیسم رادیکال معتقدند که هیچ حوزه‌ای از جامعه از تبیین مردانه برکنار نیست و درنتیجه باید در هر جنبه‌ای از زندگی زن، که هم‌اکنون طبیعی تلقی می‌شود، تردید کرد و برای انجام‌دادن امور شیوه‌های جدیدی یافت [۴۰]. غایت مورد توجه این تفکر جامعه دو جنسیتی است که همه افراد واجد خصوصیات زنانه و مردانه باشند و هیچ‌گونه تمایز نقشی به واسطه جنسیت صورت نمی‌پذیرد [۳۰].

فمینیسم سوسیالیستی: جریان فمینیسم سوسیال متأثر از فمینیسم رادیکال است که بعد از دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. این گرایش درواقع به نقد ایرادها و اشکالات رویکرد لیبرالی می‌پردازد و سعی دارد از آن ایرادها دور بماند. طبق این دیدگاه، جنس، طبقه، نژاد، سن و ملیت خود

عوامل ستم بر زنان تلقی می‌شوند. فمینیسم سوسیال مردسالاری را نظامی فراتاریخی می‌داند؛ به این معنا که مردان در طول تاریخ بر زنان اعمال قدرت کرده‌اند و معتقد است که این نظام در جوامع سرمایه‌داری شکل خاصی می‌یابد [۴۵].

نظریهٔ اسلام

در آموزه‌های اسلام، ارزش‌های انسانی که ملاک سنجش انسان‌هاست برای زن و مرد به طور یکسان ترسیم شده است. چون خاستگاه ارزش‌ها و فضائل نفس و روح انسان است نه جسم او و زن و مرد در نفس و روح تفاوت ندارند.

«منشأ تفاوت زن و مرد» جسم متفاوت زن و مرد و خصایص و ماهیت جسمی هریک از آن‌هاست؛ امری که با توجه به واقعیت‌نگری قرآن و برای مشکل‌گشایی در آیات قرآن انعکاس پیدا کرده است. اسلام حقوق تکوینی برای زن و مرد قائل نشده است و هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست و اصل مساوات انسان‌ها را دربارهٔ زن و مرد رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن‌ها مخالف است. زن و مرد به لحاظ تکوینی (یعنی از جهت زیستی، روانی و احساسات) کاملاً از یکدیگر متمایزند. به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی آن‌ها امکان‌پذیر نیست. جنسیت موجب می‌شود که زن و مرد تحت دو صنف از یک نوع واحد قرار گیرند. بنابراین، اختلاف و تمایز میان آن‌ها لازمهٔ صفتشان است و بر این اساس، تفاوت حقوقی میان آن‌ها ضروری است. بر همین اساس، تکلیف الهی، که شرط آن داشتن آگاهی، قدرت و اختیار است، به همهٔ انسان‌ها تعلق می‌گیرد و به جنس خاصی اختصاص ندارد [۳۲]. بدین ترتیب، در نگرش الهی به زن، ضمن پذیرش تفاوت‌های طبیعی دو جنس، استقرار عدالت و تداوم نظام حیات بشر و تجلی و تبلور گوهر انسانیت در سایهٔ تحقق تکالیف متقابل افراد امکان‌پذیر است [۳۹].

بین اندیشمندان اسلامی، نظر امام خمینی، به‌عنوان بنیان‌گذار یک تحول اجتماعی عظیم، نیز مورد توجه است. نگاه ایشان به زن نگاهی دقیق و مورد تأمل است. ایشان در تبیین جایگاه زنان بر هویت انسانی تأکید دارند و می‌فرمایند:

از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، زیرا هر دو انسان‌اند و زن حق دخالت در سرنوشت خود را همچون مرد دارد. بلکه در بعضی موارد، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد [۲۳].

درخصوص نقش‌های اجتماعی نیز، دخالت در امور سیاسی را وظیفهٔ همهٔ اقشار جامعه می‌دانند و زنان را نیز در این امر مؤثر می‌دانند و می‌فرمایند:

اسلام زن را مثل مرد در تمامی شئون دخالت می‌دهد. این خرابه‌ای که برای ما گذاشته‌اند، باید به دست همهٔ ملت ایران، چه مردان و چه زنان، ساخته شود و در این

برهه جدید زنان باید در سیاست اساسی مملکت دخالت کنند و هر موقع اقتضا کند نهضت و قیام کنند [۲۶].

در این زمینه، امام خمینی شرط این حضور را حفظ عفت عمومی بیان می‌کند که همین مفهوم، مشارکت اجتماعی را در این گفتمان مشارکت اجتماعی در رویکرد غربی متمایز می‌کند. ایشان نقش زنان در پیشبرد انقلاب اسلامی را به دلیل نقش‌آفرینی خود آن‌ها و همچنین تشجیع و تشویق مردان منحصربه‌فرد بیان کردند [۲۵]. در بیانات امام خمینی، در کنار حضور اجتماعی زنان، تأکید بر خانواده و نقش‌های خانوادگی زن نیز دیده می‌شود و توجه به جایگاه مادری در حدی است که مادری به‌عنوان بالاترین شغل بیان می‌شود و بر همین اساس نقش زن را بالاتر از نقش مرد می‌داند:

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است، برای اینکه بانوان علاوه بر خود، که یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، از خدمت همه کس بالاتر است؛ این امری است که انبیا می‌خواستند [۲۷].

بین نظریه‌های مختلف در باب مسئله زنان، نظر اسلام جامعیت بیشتری دارد و برخلاف دیگر نظریه‌ها، که عموماً در قالب واکنشی به محیط پیرامون و مشکلات موجود زنان شکل گرفته است، نظر اسلام به صورت ایجابی و فارغ از چپستی وضعیت موجود به تبیین دیدگاه خود پیرامون مسئله زن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با پیشینه پژوهش، به صورت مستقیم پژوهشی به این موضوع نپرداخته است، اما با دو کلیدواژه زن و آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به سرفصل‌های ذیل اشاره کرد:

امیرحسین بانکی‌پور (۱۳۹۳) در خصوص زن در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مجموعه‌ای پنج‌جلدی با عنوان کلی نقش و رسالت زن ذیل موضوعات «عفاف و حجاب در سبک زندگی ایرانی-اسلامی»، «الگوی زن»، «زن و خانواده»، «جایگاه و مسائل زنان در اسلام و تجدد» و «عرصه‌های حضور اجتماعی زن» تدوین کرده است. این مجموعه، همه آنچه را در حوزه زنان در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد در خود جای داده است، اما اشکال اصلی وارد به این کتاب، همچون دیگر مجموعه‌های موجود در این حوزه، این است که فاقد نظام‌مندی و تبیین دقیق از موضوع زن است.

مؤسسه انقلاب اسلامی (۱۳۹۰) کتاب *بازیابی هویت حقیقی زن در چهار حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی* را منتشر کرده است. عمده آنچه در این کتاب دیده می‌شود تنظیم بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در قالب سرفصل‌هایی است که فاقد نظام و شاکله‌ای دقیق بین این موضوع با دیگر موضوعات است.

فرج‌الله هدایت‌نیا (۱۳۹۶) در کتاب *الگوی سوم* (الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه)، با الهام از میحث الگوی سوم در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، به تبیین الگوهای موجود درباره زن پرداخته است و در نهایت سه الگوی «خانواده‌گریزی»، «خانه‌نشینی» و «خانواده‌گرایی همراه با حضور اجتماعی مسئولانه» را به دست آورده است. در این بیان، الگوی سوم زن می‌تواند زمینه رشد زن در همه ساحت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زندگی را فراهم کند و در عین حال حضور زن در اجتماع مانع ایفای نقش همسری نمی‌شود.

لولا‌آور و شاهمرادی (۱۳۹۳) با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۴ نقش اجتماعی زن را در این دیدگاه و در مقایسه با دیگر اندیشمندان اسلامی تبیین می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد آیت‌الله خامنه‌ای به مفهوم نقش ترکیبی زنان، که مشتمل بر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است، تأکید می‌کند.

سیمبر و رضاپور (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. روش این پژوهش توصیفی، تحلیلی با رجوع به مستندات تاریخی و مکتوب بوده است. این پژوهش به صورت مداوم بر مقوله‌هایی همچون ارزش‌های اسلامی، انسانیت، برابری، مقام مادر، شجاعت، حق و تکلیف قائل شدن برای مشارکت در تعیین سرنوشت زنان تأکید کرده و با ترفیع جایگاه زنان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی مبین وظیفه زن در ساخت و حفاظت از نظم سیاسی مبتنی بر اسلام است.

به‌اختصار، می‌توان بیان داشت که آثار چاپ‌شده در این حوزه عموماً با هدف گردآوری و دسته‌بندی مفاهیم بوده و نمای درست و متقنی از مفهوم زن به مخاطب نداده است. در پژوهش‌های انجام‌شده نیز، موضوعات بررسی‌شده عموماً به جایگاه زنان و همچنین به مفهوم زن غربی و پیامدهای آن پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی که در نهایت می‌توانند میزان اهمیت زن را در نگاه انقلاب اسلامی بیان کنند و این کثرت مفاهیم عموماً نمی‌تواند مخاطب را به تصویری واقعی برساند تا جایگاه خود را در نسبت با آن بیابد. از سوی دیگر، اگرچه همه موارد اشاره‌شده مبتنی بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای تولید شده‌اند، هیچ‌یک به موضوع خود در منظومه فکری ایشان با رویکرد جامع و منظومه‌ای نپرداخته و به دنبال فهم موضوع به صورت منفک و گزینشی بوده‌اند. این در حالی است که مواجهه علمی با آرای اندیشمندانی در سطح امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای، که تئوریسین‌های انقلاب محسوب می‌شوند، فقط در صورتی فهم درست و متقن ایجاد می‌کند که در ذیل نگاه منظومه‌ای شکل بگیرد و هر موضوع در نسبت با دیگر موضوعات موجود مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، پژوهش ذکرشده در تمایز جدی با پژوهش‌های به‌عمل‌آمده با موضوع زن در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای است.

روش پژوهش

روش اتخاذشده در پژوهش ذکرشده روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد منظومه‌ای است. بدین معنا که تحلیل داده‌ها به صورت نظام‌مند و منطبق با روش تحلیل محتوا در کلیت منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای انجام شده است.

به‌طور اساسی، تقلیل متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است [۵۰]. تحلیل محتوای کیفی درجایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست [۲]. با تحلیل کیفی می‌توان رویکردی تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله‌به‌مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت [۵۰].

به بیان دیگر، تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی، تفسیر کنند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان‌اند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید [۲]. در مجموع، می‌توان گفت که همه رویکردهای تحلیل محتوای کیفی از فرایندی مشابه پیروی می‌کنند که هفت مرحله را دربرمی‌گیرد: ۱. تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند؛ ۲. برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود؛ ۳. مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود؛ ۴. طرح‌ریزی کردن فرایند رمزگذاری؛ ۵. اجرا کردن فرایند رمزگذاری؛ ۶. تعیین اعتبار و پایایی؛ ۷. تحلیل کردن نتایج حاصل از فرایند رمزگذاری [۱].

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش با استفاده از رویکرد منظومه‌ای به‌دست آمده است. در روش منظومه‌ای، مواجهه با داده‌ها در کلیت یک منظومه صورت می‌پذیرد و جامع، مانع و کامل بودن داده‌ها ملاک اصلی است و محقق به‌گزینه‌های موضوعی در انتخاب داده‌ها نمی‌پردازد. در روش منظومه‌ای، یکی از اصول مهم و اساسی توجه به اصل جامع‌نگری است [۲۳]. بدین معنا که نمی‌توان بدون در نظر گرفتن فضای کلی حاکم بر منویات به شناخت و درک عمیق موضوع به صورت موردی نائل آمد. لذا برای فهم یک موضوع و مسئله باید آن موضوع را در فضای کلی منظومه و در نسبت با دیگر موضوعات به صورت مرتبط و نظام‌مند دید. از آنجا که پژوهش یادشده به دنبال تحلیل محتوای منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای و ارائه مدل مفهومی در موضوع

زن است، گردآوری داده‌ها در کلیدواژه‌های ذیل در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای صورت پذیرفت.^۱ شایان ذکر است از آنجا که رویکرد منظومه‌ای در پژوهش یادشده لحاظ شده است، با حجم بیشتری از نمونه جهت تحلیل مواجه بوده‌ایم و واحد تحلیل نیز به صورت جمله بوده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش ترسیم‌کننده یک مدل مفهومی به صورت خطی در قالب مفاهیم کلیدی است. بدین معنا که در مواجهه با منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در گام اول به جهان‌بینی ایشان به‌منزله مبنای اصلی و مدخل ورود پرداخته شد.^۲ در تحلیل محتوای جهان‌بینی ایشان، مکتب توحیدی هسته اصلی منظومه فکری ایشان را تشکیل می‌دهد که همه ارکان دیگر برمبنای آن و در نسبت با آن معنا و مفهوم می‌یابد. در گام دوم مفهوم انقلاب اسلامی به منزله ابزار تحقق مکتب توحیدی به دست آمد و در گام سوم، در ذیل انقلاب اسلامی، مفهوم انسان انقلابی استخراج شد. مفهوم انسان انقلابی مفهومی سازنده و اصیل است که به واسطه انقلاب اسلامی به دنبال حاکمیت مکتب توحیدی بوده و در نهایت تحلیل محتوای انسان انقلابی و ابعاد آن در عرصه عینیت به جنس زن یا مرد منتهی می‌شود و رسیدن به موضوع زن در این بخش محقق می‌شود؛ آنجا که انسان انقلابی به اقتضای جنسیت یا زن است یا مرد و در انتها مفهوم الگوی سوم به‌عنوان مفهوم نمایان‌کننده و جوه زنانه انسان انقلابی تعریف می‌شود و اجزای مفهومی آن مشخص می‌شود. در ادامه، به تبیین سیر یادشده می‌پردازیم.

مکتب توحیدی

نقطه شروع در گردآوری داده (برمبنای رویکرد منظومه‌ای) توجه به اصل جهان‌بینی است. شناخت و تصویری که انسان از جهان هستی دارد «جهان‌بینی» نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر،

۱. مکتب توحیدی: شامل ۱. سخنرانی و ۲. کتاب هم‌زمان حسین [۲۲]، ۳. کتاب دو/مقام مجاهد [۱۹]، ۴. کتاب تفسیر سوره مجادله [۱۷]، ۵. کتاب تفسیر سوره براءت [۱۸]، ۶. کتاب قطره از دریا نشان می‌دهد [۲۰]، ۷. کتاب معیشت پرهیزکارانه [۲۱]، ۸. تفسیر سوره احزاب، ۹. انقلاب اسلامی: ۹۰ سخنرانی، ۱۰. انسان انقلابی، ۲ سخنرانی [۱۲]؛ [۱۳]، ۱۱. حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها، ۳۶ سخنرانی، برای مثال [۶]؛ [۹]؛ [۱۰]؛ [۱۱]، ۱۲. زن: شامل ۲۶۰ سخنرانی.

۲. شایان ذکر است در رویکرد منظومه‌ای، منظور توجه به کلیت مبانی فکری و نظری اندیشمند است؛ بدین معنا که در مواجهه با موضوع و مسئله رجوع به آرا و نظریه‌ها به صورت موردی نیست و پژوهش‌گر در کلان نظام فکری اندیشمند ورود پیدا می‌کند. در این پژوهش نیز، مسئله زن مانند روال حاکم به صورت موردی و جزئی مورد توجه نبوده و پژوهش‌گر فقط به بررسی بیانات در موضوع زن پرداخته است، بلکه ابتدا به کلیت منظومه فکری ایشان، طبق منابع، رجوع شده و سپس جایگاه مسئله زن در کلیت منظومه فکری و ارتباط این موضوع با دیگر مفاهیم بررسی شده است.

جهان‌بینی مجموعه مسائل بنیادی و اساسی است که در بُعد اندیشه به سؤالات اساسی پاسخ می‌دهد. تحلیل محتوای داده‌های مرتبط با جهان‌بینی آیت‌الله خامنه‌ای، مفهوم مکتب توحیدی را به‌منزله مفهوم مبنایی تولید کرد. مسئله اصلی در این قسمت «حاکمیت اسلام» در سه سرفصل توحید، کرامت انسان و عدالت است.

ما در جمهوری اسلامی شعارمان عبارت است از توحید، از ولایت‌الله و ولایت اولیاءالله، عدالت اجتماعی، تکریم انسان؛ این شعارهایی که ما داریم و دنبالش هستیم این‌هاست و این‌ها دشمن دارد [۱۹].

و درحقیقت، مبنای کل نظام مسائل شکل گرفته در نظام فکری ایشان به این سه اصل در مکتب توحیدی بازمی‌گردد.

انقلاب اسلامی

در ذیل مکتب توحیدی و در راستای تحقق آن، فلسفه وجودی انقلاب و سیر حرکتی آن به‌منزله نقطه مرکزی معنا می‌یابد. درحقیقت، از دل مفهوم مکتب توحیدی، مفهوم انقلاب اسلامی به‌منزله ظرفیت محقق‌کننده مکتب توحیدی تولید شد.

اصل الاصول اسلام، اصل توحید است. توحید یعنی طاغوت‌ها کنار بروند، آن کسانی که از خدا الهام نمی‌گیرند [۲۲].

انسان انقلابی

این مفهوم با پنج شاخص اصلی بیان شده است. شایان ذکر است صفت انقلابی مربوط به مخاطب خاصی نیست، بلکه همه افراد جامعه را شامل می‌شود. این پنج شاخص عبارت‌اند از: ۱. پایبندی و اعتقاد به اسلام ناب: «مبنای اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام امریکایی است. اسلام ناب در مقابل اسلام امریکایی است، اسلام امریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام امریکایی است.» [۱۲]. ۲. همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها: «شاخص دوم، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف‌نشدن از هدف‌های بزرگ [است].» ۳. پایبندی به استقلال: «شاخص سوم عرض کردیم پایبندی به استقلال است. این استقلال خیلی مهم است؛ استقلال داخلی، استقلال منطقه‌ای، استقلال جهانی و بین‌المللی؛ در همه این مسائل استقلال کشور و استقلال نظام را حفظ کردن.» ۴. حساسیت در برابر دشمن: «حساسیت در برابر دشمن. دشمن را بشناسیم، در برابر حرکات دشمن حساسیت داشته باشیم.» ۵. تقوای دینی و سیاسی: «شاخص پنجم و آخرین شاخص، تقوای دینی و سیاسی؛ که غیر از تقوای فردی [است] که البته آن هم لازم است.» [۱۲]. سیر مفاهیم به‌دست‌آمده در نمودار ۱ نشان داده شده است.

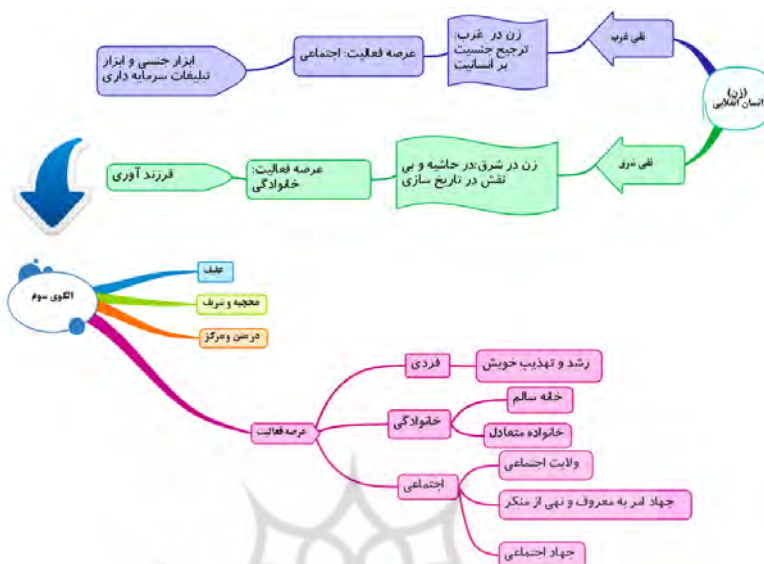


نمودار ۱

الگوی سوم

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حقیقت زنده است که با کنش‌گری موجود انقلابی تعیین می‌یابد و از سوی دیگر خود نیز باعث زایش موجود انقلابی می‌شود. با توجه به آنچه در مورد انسان انقلابی بیان شد، نیاز امروز انقلاب اسلامی تربیت انسان انقلابی در راستای تحقق اهداف انقلاب است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. از سوی دیگر، این انسان انقلابی در شکل و قواره زنانه خود و با توجه به خصوصیات زنانه تصویری خاص از زن تراز را تعیین می‌بخشد که می‌تواند الگوی همه زنان جهان باشد. این زن در بیان آیت‌الله خامنه‌ای در تقابل با الگوی شرقی و غربی است. درحقیقت، عینیت انسان تراز انقلاب اسلامی در صورت زنانه خود با عنوان «الگوی سوم» مطرح شده است.

زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم «زن نه شرقی، نه غربی» است [۱۶].



نمودار ۲

مفاهیم کلیدی

مفهوم الگوی سوم، به منزله مفهوم کلیدی در ذیل منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، خود مفاهیم کلیدی دارد که تصویر و ترکیب اصلی این الگو را می‌سازد.

زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، «عقیف» بود، «محجبه و شریف» بود و در عین حال، «در متن و مرکز» بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگر سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را درهم بشکنند [۱۶].

این تعریف شامل چهار صفت کلیدی است: عقیف، محجبه و شریف، در متن و مرکز. مفهوم عقیف اولین ویژگی برجسته الگوی سوم است و محجبه بودن قالبی است برای تجلی عفاف در زن مسلمان و لذا زنی که به صفت عقیف بودن مزین است باید با حجاب متجلی شود و تکامل یابد.

شریف‌بودن در هم‌نشینی با محجبه‌بودن استفاده می‌شود و این قرابت و هم‌نشینی نیز در جهت ترسیم وجوه خاص زن مسلمان در نسبت با دیگر زنان در ابعاد روحی و جسمی است. در متن و مرکز بودن زن مسلمان نیز ویژگی و صفتی است که صرفاً به‌منزله پیشنهاد و توصیه‌ای جهت اقدام و عمل عنوان نمی‌شود، بلکه به‌منزله صفت و ویژگی خاص زن مسلمان مد نظر است.

ارتباط مفهومی مفاهیم در الگوی سوم

تعمیق این مفاهیم و فهم ارتباط این ویژگی‌ها با یکدیگر یکی از موارد مهمی است که می‌تواند این تصویر را دقیق‌تر و به صحنه عینیت نزدیک‌تر کند.

عفیف‌بودن

عفیف‌بودن اولین ویژگی برجسته در معرفی زن مسلمان است، زیرا عمق معنایی و محتوایی این مفهوم فقط به خویش‌داری در خصوص مسائل جنسی نیست، بلکه در عرف عرب هرگونه خویش‌داری در مقابل گناه و کار خلاف را فرا می‌گیرد. به بیان دقیق‌تر، عفاف در لغت به معنای حصول حالتی برای نفس است که به واسطه آن مانع غلبه شهوت بر نفس می‌شود. بنابراین، «عفت» به معنای خودداری کردن از حرام و هرگونه کار خلاف است؛ خواه در مسائل جنسی باشد یا غیر آن [۴]. در همین زمینه، آیت‌الله خامنه‌ای عفت زن را مهم‌ترین ویژگی شخصیتی او می‌داند و توصیه می‌کند که همه فعالیت‌ها و اقدامات در حوزه زنان با توجه به این ویژگی زنان باشد. بنابراین، حفظ عفت به معنای حفظ روح از هرگونه ناپاکی بوده و توجه ابتدایی به این موضوع نشان‌دهنده اهمیت رشد معنوی زن در گفتمان انقلاب اسلامی است. بر همین پایه، همه فعالیت‌ها باید ناظر به رشد زن در ابعاد انسان کامل مشخص شود؛ به‌طوری‌که ایشان توصیه می‌کنند جامعه و خود زنان باید به این امر اهتمام ورزند [۱۴]. این رویکرد اصالت را به رشد زن از لحاظ روحی و معنوی می‌دهد، در حالی که در رویکرد غربی اصالت با مظاهر مادی زنانه است و از سوی دیگر در الگوی شرقی اصالت به خانواده داده شده و زن به‌عنوان کنش‌گر اصلی این حوزه مورد غفلت واقع می‌شود.

محجبه‌بودن

واژه حجاب از ریشه حجب، هفت مرتبه در قرآن استعمال شده است. در معنای این واژه در کتب لغت چنین آمده است: پرده‌ای که مانع دیدن باشد، چه ظاهری باشد چه معنوی. درواقع، بازداشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی را پوشش گویند [۳۴]. اصل حجاب اسلامی به‌منزله یکی از نمادهای خاص و ویژگی‌های اختصاصی زن مسلمان ایرانی است که در بیان اهمیت این ویژگی خاص آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند:

امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است. امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می‌کنند و به دنیا صادر می‌کنند؛ یعنی دنیا سخن جدیدی دارد می‌شنود. زن می‌تواند در میدان‌های اجتماعی حضور فعال داشته باشد، تأثیرگذاری اجتماعی عمیق داشته باشد. امروز زنان کشور ما در بخش‌های مختلف چنین تأثیرگذاری‌ای دارند؛ در عین حال، حجاب و عفاف و وجه تمایز میان زن و مرد، فاصله میان زن و مرد، در معرض سوءاستفاده مردان قرار نگرفتن، خود را در حد وسیله التذاذ مردان بیگانه و زیاده‌طلب پایین نیاوردن و تحقیر نکردن جزء خصوصیات زن ایرانی و زن مسلمان امروز است [۱۵].

با بیانی ساده‌تر، ابزار حضور اجتماعی زن در عین حفظ عفت و وقار زنانه حجاب است؛ در حالی که در الگوی غربی این مفهوم جایی نداشته است و زن به‌عنوان ابزار جنسی معرفی می‌شود. در الگوی شرقی نیز، این ابزار برای رفع نیازهای زن در عرصه اجتماعی معنا می‌یابد، نه به‌منزله ابزاری برای حضور اجتماعی مؤثر و بدون انحراف.

شریف‌بودن

شرف به معنای بزرگواری و بلندمرتبه‌گی است. این کلمه در اصل به معنای بلندی و مکان بلند است. به فرد بلندمرتبه و بزرگوار شریف گفته می‌شود. شریف همچنین از صفات خداوند است. شریف (در عربی به معنی نجیب، مهتر و همچنین رفیع و قوی در مقابل ضعیف و ضعیف) در بین اعراب عنوان هر مردی است که به سبب مفاخر اجدادی خویش از اشخاص عادی برتر شمرده شود. این برتری، که از طریق پدر به پسر منتقل می‌شود، «شرف» خوانده می‌شود. قبل از اسلام، در میان اعراب شرط «شرف» آن بوده که در سلسله نیاکان پدری شخص، چند تن صاحب مفاخر باشند [۱۵]. توجه به مفهوم شرافت در کنار محجبه‌بودن بیانگر ارتباط تنگاتنگ بین این دو مفهوم است؛ به‌صورتی که حجاب نشان‌دهنده شرافت زن است و از سوی دیگر زن شریف زنی است که به‌واسطه رتبه بلندمرتبه خود را ملعبه دست مردان نمی‌نماید. همچنین، این همراهی نشان می‌دهد مسئله حجاب در مفهومی فراتر از تکلیف و وظیفه با توجه به شأن و جایگاه زن تعریف می‌شود و مهم‌ترین مؤلفه در تهاجم به غرب در حوزه زنان از همین منظر است. زن غربی با سوءاستفاده مادی وسیعی دچار تحقیر و توهین شده است و شأن و جایگاه حقیقی خود را از دست داده است. شریف‌بودن، به‌عنوان ویژگی‌ای که کمتر مورد توجه واقع می‌شود، در ارتباط تنگاتنگ با سعه وجودی فرد و ارتقای روحی و معنوی زن است.

در متن و مرکز

آخرین عبارت مفهومی که آیت‌الله خامنه‌ای در توصیف زن انقلاب اسلامی عنوان می‌کند عبارت

«در متن و مرکز بودن» است. در متن و مرکز بودن ناظر بر ویژگی خاص احیاکنندگی زنان به واسطه انقلاب اسلامی است که در متن انقلاب، زنان در متن و مرکز تغییر و تحولات قرار گرفتند. نقش آفرینی زنان در متن و مرکز، و نه حاشیه، نقطه عطف انقلاب اسلامی در ترسیم نقش و جایگاه زنان است. توجه به این بعد از فعالیت زنان در گفتمان انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب به وضوح دیده می‌شود. این متن و مرکز بودن در سه عرصه اصلی تعریف می‌شود: عرصه رشد و تهذیب خویش، عرصه خانه سالم و خانواده متعادل و عرصه ولایت اجتماعی، جهاد امر به معروف و نهی از منکر.

نقش آفرینی در عرصه فردی متناسب با مفهوم عقیف بودن است و فرد باید در این راستا قدم بردارد. در حوزه حیات خانوادگی نیز، محور و کانون خانواده زن است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

درعین حال مدیر خانواده زن است، محور کانون خانواده زن است، مهم‌تر از همه مشاغل زن، مادری، همسری و ایجاد آرامش و سکینه است. وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (۸) مایه سکونت و آرامش است؛ این خصوصیت زن در اسلام است و در روز زن این چیزها را بایستی انسان توجه کند [۱۵].

آنچه مورد توجه است هماهنگی این صفات با یکدیگر و ارتباط دوسویه آنها باهم است. به‌صورتی که کنش‌گری اجتماعی زن قطعاً نیازمند لوازمی همچون عقیف، محجبه و شریف بودن است. شایان ذکر است در این دیدگاه اصالت با رشد وجودی زن است که در هر سه این عرصه‌ها تکامل می‌یابد و نمی‌توان هیچ‌یک از این عرصه‌ها را نادیده گرفت. در اینجا، تمایز این رویکرد با رویکردهای موجود در حوزه زنان مشخص می‌شود. در این رویکرد، فقط سه الزام برای حضور زن در عرصه اجتماعی وجود دارد که رعایت این سه می‌تواند زن را به‌عنوان عنصر کارآمد در عرصه اجتماعی در نظر بگیرد و ظرفیت او را در این زمینه مورد توجه قرار دهد. این سه الزام در بیان آیت‌الله خامنه‌ای عبارت‌اند از: رعایت اختلاط میان زن و مرد، رعایت اولویت مادی و همسری و حفظ خصوصیات زنانه. در این باره می‌فرماید:

زن‌ها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه این‌گونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دو سه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت‌الشعاع قرار ندهد. دومین مسئله، مسئله محرم و نامحرم است. مسئله محرم و نامحرم در اسلام جدی است [۷].

این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن، که همه احساسات و خواست‌های او براساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که درحالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد. یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه

احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده- هم درعین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی روی او باز شده است و او هم به کسب علم تشویق شده است، هم به حضور در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی... [۸].

در این مدل، حضور اجتماعی زن متناسب با شرایط، موقعیت و ویژگی‌های هر فرد متفاوت تعریف می‌شود. شرایط خانوادگی، روحیه و توان خود فرد و نوع علاقه‌مندی فرد تکلیف او را در موقعیت تعیین می‌کند. به جرئت می‌توان گفت براساس این رویکرد ارائه نسخه واحد برای همه زنان خطایی استراتژیک بوده است که به منفعل نمودن بخشی از زنان جامعه و درعین حال فعال کردن بدون قاعده بخشی دیگر از جامعه منجر شده است.

نکته مهم و اساسی در توجه به ابعاد تصویر خلق شده این است که این تصویر دقیقاً منطبق بر نیازمندی‌های وجودی زن انقلابی در رسیدن به انسان انقلابی است. به معنای دیگر، انسان انقلابی اگر بخواهد زن باشد، نیازمند این است که محجبه و عفیف، شریف و در متن و مرکز باشد.

نتیجه گیری

تحلیل محتوای منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع زن پژوهشی بود که به دنبال فهم این مسئله مهم و اساسی شکل گرفت که موضوع زن در کلان انقلاب اسلامی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای در چه عرصه و جایگاهی تعریف می‌شود و چه تصویر و ابعادی دارد.

در بررسی به عمل آمده، مکتب توحیدی و حاکمیت اندیشه اسلامی به عنوان شاکله منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای معرفی شد. قرائت و خوانشی از نظریه اسلام که در آن مفهومی به نام انسان برجسته است و فارغ از نگاه‌های جنسیتی و به دور از هر نوع تقابل جنسیتی، انسانیت را ملاک قرار می‌دهد، زیرا در نظریه اسلامی مفهومی به نام تکامل بشری به عنوان هدف و غایت نهایی از خلقت انسان مطرح می‌شود و رسیدن به این مقام خاص انسان (اعم از زن یا مرد) است و بعد جنسیتی نمی‌یابد. در این نظریه، تعالی اخلاق بشری و بروز استعدادها و وی قانون عام در مواجهه با نقش انسان در هستی است که در این میان توجه به طبیعت زن و مرد نیز در تبیین این مهم نقش دارد، اما این به معنای اشتراک دیدگاه با نظریاتی نیست که اساس را بر جنسیت گذاشته و معتقدند زنان در طول تاریخ به دلیل سرشت زنانه وظایف تعریف شده‌ای داشته‌اند که به شکل‌گیری تقابل میان زن و مرد منجر شده است و لذا زنان از مدیریت و توجه به امور جمعی فراتر از خانواده بازماندند [۵]. در نظریه مکتب توحیدی، دوقطبی زن و مرد مانند دیدگاه‌های فمینیستی و تفکیک عرصه‌های اجتماعی و خانوادگی صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه تأکید و اصرار معطوف بر لحاظ و دیده شدن انسانیت فرای از جنسیت است. همان‌گونه که

قرآن^۱ بشریت را به‌عنوان انسان مورد خطاب قرار می‌دهد، که به معنای نوع بشر است، و از این طریق مسئولیت متوجه او را بالاتر از وظایف و حقوق اجتماعی وی به‌عنوان زن و مرد قرار می‌دهد و تصدیق می‌کند که صورت هر دو جنس انسان در خدا ریشه دارد. هیچ مردی واقعاً یک مرد نیست و هیچ زنی واقعاً یک زن نیست؛ مگر اینکه نسبت به وظیفه انسانی‌ش، یعنی انجام دادن اراده الهی، وفادار باشد. بر این اساس، کارکرد اصلی یا فعال زن در وهله نخست انجام دادن وظایف معنوی‌اش است؛ همان‌طور که در مورد مرد نیز وضع بر همین منوال است، [۳۲]. نکته مهم اینجاست که ساختار اجتماعی‌ای که مبتنی بر یک تشریح دینی است، مسئولیت‌ها و حقوق زنان و مردان را در قبال خدا و در درون اجتماعات ترسیم می‌کند و این دقیقاً در برابر نهضت‌های فمینیستی متجدد است که در صدد آن‌اند که حقوق و امتیازات را برای زنان تأمین کنند، لذا تا حد زیادی از مسئولیت‌ها غفلت می‌ورزند. اسلام زن را، همچون مرد، انسان می‌داند که سه ویژگی همه انسان‌ها، یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال، را دارد و همانند مرد از امکانات رشد و کامیابی برخوردار است و بدین‌سان شأن زنانگی وی در کنار انسانیتش پاس داشته می‌شود.

این همان مفهوم مرکزی خلق شده در گفتمان انقلاب اسلامی است که با عنوان «انسان انقلابی» بیان می‌شود؛ یعنی انسانی که با ویژگی‌های پایبندی به اسلام ناب، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها، پایبندی به استقلال، حساسیت در برابر دشمن و تقوای دینی و سیاسی شناخته می‌شود. در این خوانش، حیات فردی و اجتماعی باهم گره خورده است، زیرا هر دو در خدمت ایجاد معنویت فردی و اجتماعی است که ریشه این توأمان دانستن به دلیل وجه تمایز نظریه اسلام در دو گانه اصالت فرد و اجتماع با نظریاتی است که با اصالت را به فرد می‌دهد یا اجتماع. اما در اسلام اصالت نه با فرد است و نه با اجتماع، بلکه اصالت به خانواده داده می‌شود و قرار گرفتن خدا و انسان کامل و خانواده در یک چارچوب^۲ به‌منزله بقای تمدن اسلامی است و بر همین اساس است که خانواده در ترسیم افق‌های رشد و تعالی جامعه موضوعیت دارد و رکن اساسی محسوب می‌شود.

و آنجا که در تبیین نقش‌های اساسی زن، نقش‌های معطوف به حفظ کیان خانواده، مانند مادری، پررنگ است، به معنای نگاه تقلیل‌گرایانه نیست، بلکه ریشه‌گرفته از ضرورت رشد و تعالی خانواده در مسیر پیشرفت تمدنی است و نقش زن در خانواده نقشی راهبردی است و یادآوری این مهم که یک زن قبل از پذیرش و قرار گرفتن در هر نقشی یک انسان انقلابی است

۱. إِنْ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب، ۳۵)

۲. فی بیوت اذن الله ان ترفع و يذكر اسمہ (نور، ۳۶)

که حرکت و زیست اجتماعی جزء لاینفک وجودی اوست، هر نوع سوء برداشت غلط از این نظر را منتفی می‌گرداند. درحقیقت، خلق «الگوی سوم» در این بستر شکل گرفته است و مسئله اصلی در الگوی سوم تمایز برجسته با دیگر الگوهایی است که شرق و غرب ارائه می‌دهد. الگوی سوم در تصویر خلق‌شده خود «عفیف، محجبه و شریف و در متن و مرکز تمامی تحولات تاریخی در گستره عالم» است. آنچه توجه را جلب می‌کند این است که زن تراز انقلاب اسلامی به واسطه انقلابی‌گری و کنش‌گری خود در متن و مرکز است و عفیف و محجبه و شریف بودن را به منزله لوازم آن به دست می‌آورد. در این تعریف، عفیف‌بودن صفت زنی است که انسانیتش بر جنسیتش ارجح است. درعین‌حال، در متن و مرکز است تا سهم تکلیف خود را در تاریخ‌سازی به انجام رسانده باشد. این زن در مقابل الگوی غربی، که در آن جنسیت بر انسانیت غلبه یافته است، قرار دارد و به زن غربی ثابت می‌کند که می‌توان به واسطه نگاه جنسی تحقیر نشد، اما درعین‌حال در متن جامعه اثرگذار بود. به زن غربی ثابت می‌کند می‌توان در متن جامعه بود و نقش‌آفرینی در خانواده را به‌عنوان راهبردی‌ترین نهاد در تعالی اجتماعی دانست. از سوی دیگر، این زن در مقابل زن شرقی، که به‌عنوان عنصری در حاشیه قرار دارد، اثرگذاری اجتماعی را اصل می‌داند و به زن شرقی ثابت می‌کند که توانمندی زن فراتر از آن است که فقط به فرزندآوری محدود شود و قرار گرفتن وی در کانون خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عنصر به معنای پایان عرصه‌های نقش‌آفرینی او نیست، بلکه نقطه اساسی و شروع است و زن تراز انقلاب اسلامی همپای مردان در تحولات جامعه دخیل است.

با توجه به نتایج حاصل‌شده، پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی امور زنان در کشور در ارکان مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ذیل قرائت مشترکی از موضوع به اقدام و عمل مبادرت کنند تا زمینه گفتمان‌شدن حقیقت موضوع زن در انقلاب اسلامی به دور از تفاوت‌ها و تکثر قرائت‌ها به عمل آید.

منابع

- [۱] ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان، ص ۱۵-۴۴.
- [۲] ایمان، محمدتقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص ۱۷۲.
- [۳] بانکی‌پور، امیرحسین (۱۳۹۳). *نقش و رسالت زن، تهران: انقلاب اسلامی*.
- [۴] بی‌نام (۱۳۸۷) *مفهوم‌شناسی حجاب و عفاف*، (۱۳۹۶/۴/۲۶) به نشانی: <https://makarem.ir/main.aspx?lid=0&mid=406141&catid=46161&typeinfo=4>
- [۵] پیران، پرویز (۱۳۸۲). «آسیب‌شناسی زنان ایرانی؛ مردسالاری و بهداشت باروری زنان»، فصل‌نامه علمی پژوهشی *رفاه اجتماعی*، س ۳، ش ۱۳، ص ۱۷۵.

- [۶] خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۴، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39229>
- [۷] _____ (۱۳۹۰). بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده
۱۳۹۰/۱۰/۱۴)، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18453>
- [۸] _____ (۱۳۷۹). بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۶/۳۰، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3024>
- [۹] _____ (۱۳۸۷). بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۸۷/۷/۷، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3895>
- [۱۰] _____ (۱۳۷۶). بیانات در دیدار جمعی از بانوان ۱۳۷۶/۷/۳۰، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>
- [۱۱] _____ (۱۳۹۶). سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۷.
- [۱۲] _____ (۱۳۹۵). سخنرانی در سالگرد ارتحال امام خمینی ۱۳۹۵/۳/۱۴، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=33259>
- [۱۳] _____ (۱۳۹۵). سخنرانی در سالگرد ارتحال امام خمینی ۱۳۹۴/۳/۱۴، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29914>
- [۱۴] _____ (۱۳۷۶). سخنرانی در دیدار جمعی از بانوان ۱۳۷۶/۷/۳۰.
- [۱۵] _____ (۱۳۹۶). سخنرانی در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۶/۱۲/۱۷، به نشانی:
<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39136>
- [۱۶] _____ (۱۳۹۱). پیام به کنگره هفت هزار زن شهید، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.
- [۱۷] _____ (۱۳۹۷). تفسیر سوره مجادله، تهران: انقلاب اسلامی.
- [۱۸] _____ (۱۳۹۶). تفسیر سوره برات، تهران: انقلاب اسلامی.
- [۱۹] _____ (۱۳۹۶). دو امام مجاهد، تهران: انقلاب اسلامی.
- [۲۰] _____ (۱۳۹۰). قطره از دریا نشانی می‌دهد، تهران: مسیا.
- [۲۱] _____ (۱۳۹۶). معیشت پرهیزکارانه، تهران: انقلاب اسلامی.
- [۲۲] _____ (۱۳۹۷). هم‌زمان حسین(ع)، تهران: انقلاب اسلامی.
- [۲۳] خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، تهران:
سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۲۴] خمینی، روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی
و نامه‌ها)، دوره بیست و دو جلدی، ج ۴، ص ۳۶۴. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی.
- [۲۵] _____ (۱۳۸۹). صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و
نامه‌ها)، دوره بیست و دو جلدی، ج ۶، ص ۵۰۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی.

- [۲۶] _____ (۱۳۸۹). *صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، دوره بیست و دو جلدی، ج ۸، ص ۲۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- [۲۷] _____ (۱۳۸۹). *صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، دوره بیست و دو جلدی، ج ۱۴، ص ۱۹۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- [۲۸] _____ (۱۳۸۹). *صحیفه امام (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)*، دوره بیست و دو جلدی، ج ۱۸، ص ۴۰۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- [۲۹] مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). *دائرةالمعارف فارسی، به نشانی:*
<https://parsianjoman.org/?p=1534>
- [۳۰] رودگر (۱۳۸۸). *تاریخچه نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- [۳۱] سیمبر، رضا؛ رضاپور، دانیال (۱۳۹۷). «جایگاه زنان در گفتمان رهبران انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه علمی پژوهشی زن و جامعه، س ۹، ش ۲، تابستان ۱۳۹۷.
- [۳۲] طاهری، منیره (۱۳۸۲). «حقوق زنان، کنوانسیون یا اسلام»، فصل‌نامه کتاب نقد، ش ۲۶.
- [۳۳] عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی مفهوم جنسیت در اسلام و غرب»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۲.
- [۳۴] محمد، قریب (۱۳۶۶). *تبیین اللغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغات قرآن*، ج ۱، تهران: بنیاد، ص ۳۰۴.
- [۳۵] قهرمانی، مهوش (۱۳۷۶). «جامعه مدنی و خانواده»، *فرهنگ توسعه*، س ۶، ش ۳۲، اسفند.
- [۳۶] گولومبوک، سوزان؛ فی‌وش، رابین (۱۳۷۷). *رشد جنسیت، ترجمه مهرناز شهرآرای*، تهران: ققنوس.
- [۳۷] لنگرمن، پاتریشیا مدو؛ برنتلی، ژیل نیبروک (۱۳۷۴). *نظریه فمینیستی معاصر*، جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۳۸] لولآور، منصوره؛ شاهمراید زواره، راضیه (۱۳۹۳). «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، س ۴، ش اول، بهار و تابستان، ص ۲۸-۹.
- [۳۹] مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). *نظام حقوق زن در اسلام*، ج ۸، تهران: صدرا.

- [۴۰] منصورنژاد، محمد (۱۳۸۱). مسئله زن، اسلام و فمینیسم، تهران: برگ زیتون، ص ۱۳۸.
- [۴۱] مؤسسه انقلاب اسلامی (۱۳۹۰). زن و بازیابی هویت حقیقی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- [۴۲] هدایت‌نیا، فرج‌الله (۱۳۹۶). الگوی سوم (الگوی رفتاری زن در خانواده و جامعه)، تهران: لشکر فرشتگان.
- [43] Bernard, Jessie, (1972). *The Future of Marriage*, New York: World publishing.
- [44] Chodorow, Nancy (1997). *The Psychodynamics of the Family* in Linda Nicholson (ed), *The second Wave*, New York and London Routledge.
- [45] Jaggar, A. (1998). *Gender, Body, Knowledge: Feminist Reconstructions of Being and Inowing*, Rutgers University Press, New York.
- [46] Jaggar, A. (1998). *Gender, Body, Knowledge: Feminist Reconstructions of Being and Inowing*, Rutgers University Press, New York.
- [47] Kammeyer, K.C.W, et. al. (1989). *sociology*, Boston and London: Allyn and Bacon.
- [48] McConnell, J.V. and Philipchalk, R.P. (1992). *Understanding Human Behavior*, Orlando: HBJ Publishers.. R. P. Weber, Op.Cit.
- [48] Hsiu- Fang Hsieh & Sara E. Shanon, "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitativr Health Research*, Vol.15, No.9.
- [49] Yanzhang Content analsis (qualitative, thematic) in: <http://www.ils.unc>.